

سلسلهٔ خاکسار جلالی

سام صمدی

دربهاران کی شود سرسبز سنگ
خاک شو تا گل برویی رنگ رنگ
سال ها تو سنگ بودی دلخراش
آزمون را یک زمانی خاک باش

سلسلهٔ صوفیان خاکسار جلالی، در اویش شیعه مذهبی هستند که منسوب به حضرت سلمان فارسی می باشند و چون تنها سلسله از صوفیانی که از ابتدا شیعه بودند، در طول تاریخ تا دورهٔ صفوی فعالیت های خود را کاملاً به صورت پنهانی انجام می دادند و از تاریخچهٔ سلسله وزندگی نامهٔ بزرگان ایشان اطلاعات زیادی در دست نیست.

خاکسارها به چهار شاخه تقسیم می شوند:

- ۱- خاکسار جلالی غلام علیشاهی
- ۲- خاکسار جلالی معصوم علیشاهی
- ۳- دودهٔ سلسلهٔ عجم
- ۴- نورایی

در حال حاضر تنها فرقهٔ خاکسار جلالی غلام علیشاهی و معصوم علیشاهی در ایران فعالیت دارند و فرقه های دیگر در اقلیت به سر می برند. خاکسارها در کشورهای هندوستان، پاکستان، ایران، عراق و سوریه پیروان زیادی دارند. همان طور که گفته شد، خاکسارها شیعه مذهب هستند، بنابراین پیروی از اصول مذهب شیعه را بر خود واجب می دانند. در فرقهٔ خاکسار برخلاف سایر فرقه، منصبی به نام قطب وجود ندارد و سرسلسله را قطارکش می نامند، زیرا معتقدند که قطب عالم امکان، حضرت حجت بن الحسن عسکری^ع است. در اویش خاکسار در طول تاریخ به مداحی مولی الموحیدین علی^ع و سید و سالار شهیدان امام حسین^ع مشهور بوده اند.

خاکسارها شب های جمعه دور هم جمع می شوند و به ذکر جلی و سماع می پردازند و در سلسلهٔ خاکسار از ذکر خفی به ندرت استفاده می شود. البته خاکسارهای هند از این قاعده مستثنی هستند و ذکر خفی جزو ارکان سلوک آن هاست.



شیخ صفی الدین اردبیلی جدّ اعلاّی صفویان شاگرد شیخ زاهد گیلانی، و شیخ زاهد نیز شاگرد سید محمد گیسودراز ملقب به چراغ علیشاه از مشایخ خاکسار بود. بنابراین نسب نامۀ سلسلۀ صفوی به سلسلۀ خاکسار می رسد.

خاکسارها در طول تاریخ خود با آیین فتوّت و جوانمردی ارتباط نزدیکی داشته اند و بسیاری از آداب و تعلیمات این دو طریقت شبیه به یکدیگر است، طوری که اکثر محققین این دو را برادر یکدیگر دانسته اند.

بعد از عصر صفوی، مرشدان خاکسار علاوه بر ساختن خانقاه برای فقرا، به احداث زورخانه نیز پرداختند و بسیاری از اعضای این سلسله از پهلوانان زورخانه محسوب می شوند. در رسائل خاکسار "پوریای ولی" را از این سلسله دانسته اند.

تبحر خاکسارها در علوم غریبه و خفیه نیز قابل توجه است. این علوم که تحت عنوان علوم فاطمی نیز نامیده می شوند، به اعتقاد خاکسار به صورت امروزی خود برای اولین بار توسط حضرت علیؑ جمع آوری و ابداع شد. این علوم شامل علم جفر و حروف و اعداد و رمل (خط و نقطه) و نجوم و تسخیرات است و آن حضرت بخشی از این علوم را در اختیار حضرت سلمان قرار داد و حضرت سلمان نیز به جانشین خود "ده روشنعلی"، که در عاشورا با امام حسینؑ شهید شد، انتقال داد و آن حضرت نیز به قاهر علی، و تا به امروز به صورت سینه به سینه حفظ شده است.

از دیگر اعتقادات خاکسارها، اعتقاد به تجلی ارواح است که عده ای این عقیده را با تناسخ اشتباه گرفته اند؛ یعنی این که خاکسارها هر یک از سلسله ها و مشایخشان را تجلی یکی از دوازده امام می دانند. برای مثال سید جلال الدین حیدر را تجلی حضرت علیؑ و چهل تنان و هفت تنان را تجلی سید جلال الدین حیدر می دانند.

خاکسارها برخلاف سایر صوفیان که معتقدند می توان به جبروت یا لاهوت رسید، چنین اعتقادی ندارند، بلکه در رسائل خطی سلسله چنین آمده: "ناسوت بودنی است، ملکوت رسیدنی است، جبروت دیدنی است، لاهوت شنیدنی است." یعنی این که: در ناسوت هستیم و به ملکوت با طی طریق

شیخ صفی الدین اردبیلی جدّ اعلاّی صفویان شاگرد شیخ زاهد گیلانی، و شیخ زاهد نیز شاگرد سید محمد گیسودراز ملقب به چراغ علیشاه از مشایخ خاکسار بود. بنابراین نسب نامۀ سلسلۀ صفوی به سلسلۀ خاکسار می رسد.

در سلسلۀ خاکسار زن پذیرفته نمی شود. ظاهراً زنان نمی توانند بر اساس ارکان و شیوۀ سلوک این سلسله طی طریق کنند. خاکسارها نیز در طول تاریخ خود مانند بسیاری از سلاسل صوفیه، دچار انحرافات شدند ولی هسته اصلی و باطنی سلسله، خود را در مقابل این آفات حفظ کرد. از جمله این انحرافات می توان به ارتباط خاکسارها با فرقه اهل حق و قلندریه اشاره کرد.

یکی از رسوم این سلسله آن بود که طالب مبتدی بعد از گذراندن بیست و پنج اربعین متوالی، توسط پیرمشرّف می شد ولی امروزه این عمل انجام نمی شود و پیر بلافاصله از طالب دستگیری می کند.

از دیگر اصول خاکسارها که امروزه کمتر انجام می شود، پرسه زدن است. درویش های خاکسار بنا به امر پیر برای خود شکنی کشکولی به دست چپ می آویختند و اشعاری در مدح حضرت علیؑ و حضرت امام حسینؑ می خواندند و در کوچۀ بازار در یوزه می کردند یا به اصطلاح پرسه می زدند. این رسم که در ابتدا برای خود شکنی بود، بعدها منجر به این شد که بسیاری از درویش به افرادی بیکار و تن پرور تبدیل شوند. از طرفی سلاسل خاکسار آداب و مراسم خاصی دارند که پیروان طریقت های دیگر از آن بی خبرند و هر سالک در مرحله ای از سلوک، از مراحل دیگر بی اطلاع است. برای مثال اگر "رساله مرحله سوم" به دست کسی که در منزل دوم فقری این سلسله قرار دارد، بیفتد، از مندرجات آن چیزی دستگیرش نخواهد شد.

خاکسارها تا عصر صفوی دارای تشکیلات منظمی نبودند و اعتقادات شیعی خود را پنهان می کردند. بعد از به قدرت رسیدن صفویان، در سلسلۀ خاکسار انشعاب به وجود آمد.



روز خرقه پوشی حاج مطهر علیشاه به تاریخ ۱۳/رجب/۱۲۵۲ مطابق ۱/خرداد/۱۳۱۱ در عراق به دست بهار علیشاه

کلیم الله، حضرت عیسی روح الله، حضرت محمد بن عبدالله علیهم السلام.

چهارپیرطریقت: حضرت علی مرتضی، حضرت امام حسن، حضرت امام حسین، حضرت امام جعفر صادق علیهم السلام.

چهارپیرحقیقت: حضرت امام زین العابدین، حضرت امام محمدباقر، حضرت امام موسی کاظم، حضرت امام رضا علیهم السلام.

چهارپیرمعرفت: حضرت امام محمدتقی، حضرت امام علی النقی، حضرت امام حسن عسکری، حضرت امام زمان علیهم السلام.

چهارپیرحجت: حضرت جبرائیل درجبروت و حقیقت، حضرت میکائیل درملکوت و طریقت، حضرت اسرافیل در ناسوت و شریعت، حضرت عزرائیل در لاهوت و معرفت.

چهارپیرشهید: حضرت امام حسین سیدالشهداء، حضرت

خاکسارها شیعه مذهب هستند، بنابراین پیروی از اصول مذهب شیعه را بر خود واجب می دانند.

می‌رسیم و از ملکوت، جبروت را می‌توان دید و از لاهوت می‌توان شنید؛ چون لاهوت که عالم ذات است، نه رسیدنی است و نه دیدنی.

از دیگر اعتقادات خاکسارها، ایمان به شصت و چهار پیر است. بر طبق نوشته‌های موجود در رسائل خاکسار، هر کسی که می‌خواهد به مقام قاب قوسین و قرب اسمائی (واحدیت) برسد، باید به این شصت و چهار پیر اعتقاد داشته باشد:

چهارپیر شریعت: حضرت ابراهیم خلیل الله، حضرت موسی



روشنعلی، حضرت مقصودعلی، حضرت پیرعلی.
 چهارپیر ابراهیمی: حضرت ابراهیم خلیل^ع، ابراهیم گرم سیل، ابراهیم ادهم، شاه ابراهیم.
 چهارسیاه: سیاه اعلام، سیاه نهنگ، سیاه گلچین، سیاه خاکی.
 چهارپیر ولی: حضرت علی ولی الله^ع، جمال الدین ولی، پوریای ولی، حضرت ولی عصر^ع.

سپری کند، به ترتیب زیر است:
 ۱- لسان ۲- پیاله ۳- کسوت ۴- گل سپردن ۵- چراغی.
 در بعضی از رسائل خاکسار به جای پنج مرحله، شش مرحله نام برده شده که در چهار مرحله اول مشترک است:
 ۱- لسان ۲- پیاله ۳- کسوت ۴- گل سپردن ۵- جوز را به خاندان اهل حق سپردن ۶- لنگ ارشاد و عشق الله دادن.

چهارپیر جمال: شاه جمال چرمینه پوش، شاه جمال مجردعلی، جمال الدین، سلطان جمال.
 چهارپیر نور: نور نهال، نور کلان، نور سلطان، نورائی.
 چهارپیر غایب از نظر: حضرت خضر، حضرت الیاس، حضرت عیسی، حضرت صاحب الزمان علیهم السلام.
 چهارپیر خاکسار: حضرت سیدجلال الدین حیدر، لعل شهباز قلندر، شاه شکر گنج، ذات باب الحق.
 چهارپیر رکن: پیر عبدالکریم در شرق، پیر عبدالرحیم در غرب، پیر عبدالوهاب در جنوب، پیر عبدالرزاق در شمال.
 چهارپیر سلطان: سلطان محمود پاک دل (سلمان فارسی)، سلطان ابراهیم ادهم، سلطان قاهرعلی، سلطان علی بن موسی الرضا.
 چهارپیر واجب: پیر تقلید در شریعت، پیر دلیل در طریقت، پیر ارشاد، پیر حقیقت.

لسان کشیدن و آداب آن: لسان کشیدن در سلسله خاکسار یعنی اقرار به یکتایی پروردگار و نبوت حضرت محمد^ص و ولایت حضرت علی^ع و یازده فرزند گرامی آن حضرت.
 طالب با راهنمایی پیر دلیل، دو متر پارچه سفید که کفنی باشد و یک متر پارچه به عنوان لنگ و یک کله قند و صدوده ریال یا تومان تهیه نموده، به حمام می رود و سه غسل شریعت و طریقت و حقیقت را به جای می آورد؛ این سه غسل الزامی است. بعضی از مشایخ غسل دیگری به نام غسل معرفت را نیز انجام می دهند.
 سپس پیر دلیل همراه طالب نزد مرشد یا پیر طریقت حاضر می شود. پیر طریقت پشت به قبله می نشیند و در طرفین وی پیر شهود و پیر دعا حضور دارند. آن گاه پیر دلیل برای مرید از مرشد تقاضای اسم می نماید و مرشد با توجه به حالات مرید، اسمی مناسب حال وی تعیین و اعلام می نماید. مثلاً اگر طالب نظامی باشد، اسمی مانند افسرعلی، قدرت علی، سیف علی و... به طالب داده می شود (پسوند علی دلالت بر ولایت دارد، چون آن حضرت مظهر ولایت مطلقه است).
 در تمام سلاسل، طالب پس از گذراندن سیروسلوک و رسیدن به مرحله موت ارادی و تولدی دوباره اسم دریافت می کند. ولی در سلسله خاکسار طالب مبتدی در همان منزل اول درویشی، از مرشد اسم می گیرد و این به معنی شروع زندگی دوباره برای طالب است و سپس مرشد برای حضرت ولی عصر و صاحب وقت مهدی موعود و منتظر^ع بیعت می گیرد.

شرایط وصول و منازل سلوک در سلسله خاکسار:
 در رسائل خاکسار کلیاتی تحت عنوان شرایط وصول، بدون شرح و توضیح آورده شده که در این جا عیناً نقل می شود:
 ۱- قابلیت مقام ولایت ۲- ارشاد فقیر کامل مکمل اهل حال ۳- توبه ۴- تبتل ۵- نفی خواطر ۶- ذکر ۷- فکر ۸- توجه دائمی ۹- رضا ۱۰- توکل ۱۱- تسلیم ۱۲- تجرید ۱۳- تفرید ۱۴- تصفیه ۱۵- تخلیه ۱۶- تحلیه ۱۷- تجلیه ۱۸- فتوت ۱۹- صدق ۲۰- یقین ۲۱- سکینه ۲۲- حجت ۲۳- شوق ۲۴- ذوق ۲۵- غیبت ۲۶- مکاشفه ۲۷- مشاهده ۲۸- سکر ۲۹- صحو ۳۰- انفصال ۳۱- اتصال ۳۲- فنا ۳۳- بقا ۳۴- جمع الجمع
 منازل: در سلسله خاکسار جلالی منازلی که طالب مبتدی باید

در تمام سلاسل، طالب پس از گذراندن سیروسلوک و رسیدن به مرحله موت ارادی و تولدی دوباره اسم دریافت می کند. ولی در سلسله خاکسار طالب مبتدی در همان منزل اول درویشی، از مرشد اسم می گیرد و این به معنی شروع زندگی دوباره برای طالب است و سپس مرشد برای حضرت ولی عصر و صاحب وقت مهدی موعود و منتظر^ع بیعت می گیرد.
 پیاله: مرحله دوم فقر در سلسله خاکسار، پیاله است. سابقاً بین عمل لسان و پیاله چندسال فاصله قرار می گرفت، اما اکنون اعتقاد دارند که پس از عمل لسان، چنان چه چهل روز

بگذرد و پیاله نگیرند، باطل است و مجدداً طالب باید عمل لسان را انجام دهد. امروزه لسان و پیاله را در یک مرحله به جای می آورند. اما پیاله آن است که در نصف استکان، آب و گلاب و قند را با هم مخلوط می سازند و پیرطریقت به مرید می گوید: پیاله دوازده قانون دارد:

- ۱- پیاله قدرت ۲- پیاله نور ۳- پیاله عقل ۴- پیاله عشق
- ۵- پیاله زمین ۶- پیاله ایمان ۷- پیاله شریعت ۸- پیاله طریقت ۹- پیاله حقیقت ۱۰- پیاله معرفت ۱۱- پیاله موت ۱۲- پیاله مولاعلی^ع که در لب حوض کوثر عطا کند.

مرشد دوازده مقام را برای مرید شرح می دهد و سپس شربت را به مرید می دهد که بیاشامد و مرشد رساله ای را که قوانین لسان و پیاله در آن به کتابت آمده، امضاء و مهر می کند و به مرید تسلیم می نماید؛ اما برای مرحله لسان رساله نوشته نمی شود و مرید باید رساله را حفظ کرده و در دسترس کسی قرار ندهد.

کسوت: منزل سوم در سلسله خاکسار جلالی، منزل کسوت است. بعد از طی منازل لسان و پیاله، چنان چه مریدی استحقاق کسوت گرفتن بیابد، مرشد با توجه به شرایط خاصی، به مرید کسوت می دهد.

ابتدا مرید به همراه پیردلیل به دستور مرشد سه یا چهار غسل - یعنی غسل شریعت و طریقت و حقیقت و معرفت - را به جای می آورد؛ سپس پیردلیل مرید را نزد مرشد می آورد (حضور پیرشهود و پیردلیل در این مجلس الزامی است). مرشد منظومه کسوت را برای مرید می خواند و آیه ۶۹ سوره انبیاء را تلاوت می کند و پس از درود و صلوات فرستادن بر حضرت رسول و اهل بیتش، طبق آداب ویژه ای که از مرشدان گذشته آموخته، کسوت را در محل مخصوص آن قرار می دهد.

بنابه اعتقاد خاکسار، حضرت خاتم الانبیاء و ائمه اطهار در کتف خود نشانه ای داشته اند شبیه به مهر که در حضرت رسول این مهر به مهر خاتمیت معروف است و در مورد ائمه این مهر نشانه ولایت و امامت ایشان است. به همین دلیل مرشدان خاکسار به تبعیت از ائمه اطهار، مریدان را نشانه

گذاری می کنند. هنگامی که کسوت گذاری انجام شد، مرید باید به دستور مرشد یک اربعین انجام دهد و پس از آن کاملاً صاحب کسوت می شود. کسی که صاحب کسوت می شود، می تواند مبتدی را به

مریدی قبول کند و تا دومرحله، یعنی لسان و پیاله، مبتدی را ترقی دهد.

چنان چه به هر دلیل کسوت درمقام خود قرار نگیرد، باید عمل کسوت گذاشتن تجدید شود.

گل سپردن: منزل چهارم در سلسله خاکسار جلالی، گل سپردن است. در این منزل پیرپس از دریافت گل، آن را چهار بار غسل داده و با آداب خاصی در زمانی مناسب به خزانه یکی از ائمه اطهار تقدیم می کند. (خزانه عبارت است از قطعه مومی به شکل قلب صنوبری که در داخل آن علاوه بر گل و چراغی، چهارده چیز دیگر قرار می دهند. خزانه دارای یک گنبد و در است و حاوی اسراری است که مرشدان کامل از آن آگاهند.) حضور پیر دلیل، پیر نظر و پیر دعا در این مجلس الزامی است.

چراغی: پس از گذراندن منازل لسان، پیاله، کسوت، سپردن گل، با رعایت شروط لازم به مرید چراغی می دهند. در واقع کسی که به مقام چراغی می رسد، اجازه دارد که در شهر محل سکونت خود و در منزلی به عنوان خانقاه، چراغ مجلس هفتگی را روشن کند و از طالبان تا مرحله پیاله دستگیری نماید و برای ارتقاء سالکان به منازل بالاتر، آنان را به نزد مرشد کامل بفرستد.

مرشد فقط یک "چراغی" را به منطقه ای می فرستد و هرگز اجازه ندارد که "چراغی" دومی به آن منطقه اعزام کند، مگر آن که از چراغی اول خطایی سر بزند و کسی که به مقام چراغی می رسد، معمولاً تا پایان در آن مقام باقی خواهد ماند.

منابع:

- ۱- رسائل خطی سلسله خاکسار جلالی
- ۲- نشان و طریق خاکسار، علی الوندی
- ۳- مبانی سلوک در سلسله خاکسار جلالی و تصوف، حسین منجمی



در رسائل خاکسار "پوریای ولی"
را از این سلسله دانسته اند.